

نماز حقیقت درخشنده

مؤلف: پنجمین اجلاس سراسری نماز «تبریز - ۱۳۷۴»

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۷۶

چاپ: مهر - قم

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

پیام مقام معظم رهبری به پنجمین اجلاس سراسری نماز

بسم الله الرحمن الرحيم

اکنون چند سالی است که چنین روزهایی در کشور ما موسم نماز است، یعنی فضای سراسر کشور به عطر دل انگیز یاد و نام نماز آغشته است و انسانهایی روشن بین و با ایمان با شور و نشاط همه جا از نماز می گویند و به نماز فرامی خوانند و برای اقامه نماز مجاهدت می کنند این تلاش مبارک شایسته آن است که از سوی همه کسانی که به حیات طیبیه اسلامی و زندگی در سایه حق و عدالت دل بسته اند گرامی داشته شود و به پیوسته ماندن آن کمک شود اقامه نماز در کشوری که پرچم اسلام را برفراز سرخویش برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر گردیده یکی از واجب ترین فرایض است زیرا همه هدف های یک جامعه نیک بخت از قبیل تامین عدالت اجتماعی و دستیابی به رفاه عمومی و شکوفایی مادی و پرورش استعدادها و خلاقیت های آحاد مردم، برخورداری از دانش و بینش و تجربه عزت و استقلال و اقتدار ملی و گسترش اخلاق انسانی و روابط سالم میان آحاد مردم و دیگر هدف های والا در صورتی تامین می شود که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم بویژه در کارگزاران امور کشور تامین می شود و

[صفحه ۱۰]

انسانهایی پاک و برخوردار از همت و توکل و اخلاص و صبر و سخت کوشی در آن جامعه باشند که به یاری این پشتوانه روحی توانایی برداشتن بارهای سنگین را دارا باشند و در برابر موانع گوناگون و بویژه امواج فساد و تباهی، یارای ایستادگی داشته باشند هر چه شمار این گونه انسانها در جامعه و کشوری بیشتر باشد افق آینده آن جامعه و آن کشور روشن تر و حرکت به سوی نیک بختی در آن جامعه و آن کشور ممکن تر و آسانتر خواهد بود. اهمیت نماز و یکی از رازهای پای فشاری بر آن در معارف اسلامی را از آنچه گفتیم می توان دانست. زیرا نماز برترین چیزی است که می تواند همه افراد جامعه مسلمان را به تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی برساند. سه خصوصیت عمده در نماز هست که نقش برتر آن را در تهذیب نفس و پرورش روانی انسانها پدید می آورند. نخست آنکه نماز با شکلی که در اسلام برای آن معین گشته یعنی حرکات و اذکار مخصوص بطور طبیعی نمازگزار را به دوری از گناه و آلودگی فرا می خواند: «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر» این فراخوانی، پیوسته توانایی آنرا دارد که هر کس را از منجلاب ها، رها سازد و عروج بخشد دوم آنکه در او روح پرستش و خضوع در برابر

حضرت باری تعالی را که محبوب حقیقی و فطری هر انسان است، زنده می‌کند و غبار فراموشی از این حقیقت درخشنده را که در ژرفای فطرت او نهاده شده است می‌سرد.

سوم آنکه به جان و دل نمازگزار، آن آرامش و اطمینانی را که شرط اصلی موفقیت در همه عرصه های زندگی است هدیه می‌کند و تزلزل و اضطراب را که مانع بزرگی در راه اقدام مجدانه برای پرورش اخلاق است، از او دور می‌سازد.

[صفحه ۱۱]

هر یک از سه خصوصیتی که گفته شد در خور آن است که با تدبر و ژرف‌نگری دیده و سنجیده شود و از این راه بسیاری از معارف نماز آشکار خواهد شد.

اکنون هنگامی که می‌بینیم نماز با این ویژگی ها و کارسازی استثنایی‌اش گستردگی به اندازه گستره همه جامعه اسلامی دارد یعنی همه در هر حال و هر جا وظیفه دارند آن را به جای آورند و هیچکس هرگز از قلمرو این فریضه الهی بیرون نیست، درمی یابیم که اندازه تأثیر آن در تأمین شرط نیکبختی یک ملت و یک جامعه چقدر زیاد است. حقیقت آن است که هرگاه در میان مردمی نماز با همه شرائطش رواج داشته باشد همین یک واجب الهی آنان را تدریجا به همه نیکبختی‌ها می‌کشاند و خیمه دین را در زندگی آنان بر پا می‌سازد.

ناگفته نگذاریم که این همه درباره نمازی است که با روح آن یعنی توجه و حضور قلب به جای آورده می‌شود چنین نمازی نمازگزار را با همه آفرینش هماهنگ و همسو می‌سازد و راه را برای تحقق سنت های الهی در طبیعت و تاریخ باز می‌کند، چرا که در بینش اسلامی همه آفرینش در حال تسبیح و عبودیت حضرت حق است:

«سبح لله ما فی السموات و ما فی الارض...» توصیه موکد اینجانب به همه بویژه جوانان آن است که خود را با نماز مانوس و از آن بهره مند سازند یعنی اینکه نماز را با توجه به معنی و با احساس حضور در محضر پروردگار متعال جلت عظمت، به جای آورند و این کار، با تمرین بر خود هموار و آسان سازند و تا بتوانند نوافل، مخصوصا نافله نمازهای صبح و مغرب را نیز ادا کنند و اگر هنوز در میان کسان و نزدیکان و دوستان آنان، کسی هست که خود را از فیض نماز محروم کرده باشد او

[صفحه ۱۲]

را از این گناه بزرگ و خسارت عظیم باز دارند و اینکار را با زبان خوش و رفتار حکیمانه انجام دهند، البته پدران و مادران نسبت به نماز فرزندان خود مخصوصاً نوجوانان، مسئولیت بیشتری دارند. اینجانب در پیام نماز سالهای گذشته توصیه هایی به دست اندرکاران و مسئولان دستگاههای گوناگون در باب نماز کرده ام، بجاست اگر هیئتی از این مجمع نماز درباره آنها به جستجو و فحص پردازد و گزارشی از چگونگی و اندازه تحقق آن خواسته ها فراهم آورد.

در پایان با دعا برای همه ی شما عزیزان دست اندرکار مسئله نماز امیدوارم زحمات شما مقبول الهی و منظور نظر حضرت ولی الله الاعظم ارواحنا فداء و سلام الله علیه باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

سیدعلی خامنه ای

سخنرانی آقای عبدالعلی زاده (استاندار محترم آذربایجان شرقی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و به نستعين.

الان که به جلسه می آمدم فکر کردم که برای بنده و همکارانم یکسال فاصله سفر از شیراز و شرکت در چهارمین اجلاس سراسری نماز خیلی زود گذشت. جناب آقای قرائتی در آن اجلاس بر ما منت گذاشتند و تقاضای ما را پذیرفتند که اجلاسیه پنجم در تبریز برگزار شود. دقیقاً یکسال می گذرد. در این یک سال بنده و همکارانم با یک شور و شوق خاصی در فکر تدارک و برنامه ریزی برای این اجلاسیه بودیم و خدا را سپاسگزاریم که این توفیق بدست آمد و موفق شدیم در خدمت نماز و خادمان و مشعلداران اقامه نماز باشیم. فکر نمی کردیم که زمان به این زودی سپری شود. مخصوصاً این دو روز که ما حاصل تلاش دوستان بنده و همکاران عزیزم بود و حلاوت و شیرینی این یکسال واقعا ما را سرمست کرده بود و فکر نمی کردیم که به لحظه پایان برسیم. از بهترین اجتماعات و سمینارهای ما که در طول سه سال خدمتگزاری بنده در این استان برگزار شده است، بهترین سمینار همین سمینار بود. حالاً نه از نظر کیفیت که ما شرمنده حضار محترم و ارجمندمان هستیم و در محضر خدا شرمساریم و قطعاً

[صفحه ۱۶]

بهتر از این می توانستیم برگزار کنیم، اما ناشی گری و ضعف ما باعث شد که به این کیفیت برگزار شود، ولی خوشحالیم که این توفیق را داشتیم که در طول خدمتمان به چنین سعادت برسیم. من به دوستان عرض می کردم که اگر بنا باشد هر سال اجلاسیه در یک استان برگزار شود، خیلی سعادت می خواهد که یکنفر استاندار یا فرماندار یا مدیر کل شود و مسئولیتی داشته باشد و به او بگویند بیا برای نماز خدمت کن. خیلی سعادت می خواهد و ما خدا را شاکریم که این سعادت نصیب ما شد از همه شما عزیزان پوزش می طلبیم اگر نتوانستیم قدر این سعادت را آنطوریکه باید و شاید و حق این سعادت بود بجا بیاوریم و این پوزش را از صمیم دل می طلبیم، نه اینکه تعارف بکنیم.

شان نماز و مقام نمازگزار و بالاتر از این ها کسی که می خواهد برای اقامه نماز بکوشد مقام او بیش از آن است که ما بتوانیم آن را بجا بیاوریم. ضمن اینکه جناب آقای قرائتی ما را موظف کرده بودند که بی دود و دم این سمینار را برگزار کنیم؛ یعنی از چند ماه قبل به ما تکلیف فرمودند که کاری بکنید که مردمی که از حاشیه نگاه می کنند نگویند که آقایان به بهانه اجلاس نماز برای گردش یا برای سیاحت آمده بودند. سمینار نماز با بقیه سمینارها فرق دارد. به

همین علت ما علیرغم ارادتی که به حضور تک تک شما سروران ارجمند داشتیم سعی کردیم محل اقامت مهمانان جز بهترین محل های شهر نباشد. سعی کردیم علیرغم شخصیتی که حضرات در پیش ما دارند و احترام قلبی که خدمتشان داریم خدمات ساده ای داشته باشیم.

بسیجیان با عشق امام، به جبهه ها رفتند و تا پای جان ایستادند. گل سرسبد اینها مهندس مهدی باکری فرمانده لشکر عاشورا است. اینها اسلام را

[صفحه ۱۷]

انتخاب کردند. نه از ترس گزینش و نه از ترس استخدام و نه این که بخواهند برای فردا دنیای خوب داشته باشند و به اسلام تظاهر کنند یا مسلمان این چنینی باشند. مخصوصا در دانشگاهها باید جوی ایجاد کنیم که بچه ها جرأت سؤال کردن را داشته باشند و ما توان پاسخگویی به این سؤالات را داشته باشیم. در بحثهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در میزگردهایی که در داخل همین سالنها برای دانشجویان میگذاریم، خوشبختانه به نتایج بسیار خوبی رسیدیم. امروز دانشگاه تبریز از نظر کمیت دومین دانشگاه کشور است. یعنی بعد از دانشگاه تهران، دانشگاه تبریز بیشترین دانشجوی را بین دانشگاههای کشور دارد. اما کم مسئله ترین دانشگاه کشور همین دانشگاه است. به لطف مدیریت بسیار خوب که دانشجویان را از گذرگاه سؤال عبور می دهد و این سالن شاهد بوده که به بسیاری از سؤالات دانشجویان پاسخ داده شده است. در رابطه با نماز و اعتقادات و مسایل دینی هم باید فضا را طوری بسازیم که بتوانند مسئله دار شوند و خودمان را بجایی برسانیم که بتوانیم مسئله را حل کنیم. اگر چنین باشد، یقین بدانید جمعیت دانشجویی شما بیمه شده است و اگر چنین نباشد یقین بدانید دانشجوی شما مسئله دار خواهد شد. اما مسئله را از شما مخفی خواهد کرد و من و شما نخواهیم توانست به مسئله آن ها جواب بدهیم. آنوقت از در دانشگاه فارغ التحصیلی بیرون خواهد رفت که ظاهری اسلامی دارد اما باطن او مسئله دار است. و به اعتقاد من این خطرناکترین عنصر برای نظام و انقلاب است. ان شاء الله بتوانیم هم خودمان را به مرحله ای برسانیم که به سؤالات پاسخ بدهیم و هم جو را چنان بسازیم که اگر دانشجویی مسئله دار شد مسئله اش را بی پروا مطرح کند تا درمان شود. ببخشید صحبت آخر اضافه بر فضولی بود. بنده

[صفحه ۱۸]

فقط و فقط وظیفه تدارک و میزبانی شما را داشتم. محتوا و برنامه این جمع به عهده جناب آقای قرائتی و ستاد محترم اقامه نماز بود که باز در خاتمه از همه سروران ارجمند به ویژه حضرات آیات جناب آقای مهدوی کنی، آقای جنتی، آقای انواری و بقیه بزرگان و مخصوصا جناب آقای قرائتی که وجودشان برای جوانان این کشور مشعل فروزان است و خیلی از مسئله‌ها را حل می‌کند. برای همه این عزیزان و برای شما مهمانان ارجمند و برای همه گروه‌هایی که اسامی‌شان را از طرف امام جمعه محترم ذکر کردم آرزوی موفقیت و سلامت و تندرستی دارم و هرگونه کمبود را هم به ضعف ما ببخشید و هم به قیدهای سمینار نماز، ان شاءالله سمینارهای بعدی موفق تر و پرشکوه تر برگزار می‌شود و ما هم سعی می‌کنیم نقاط ضعفی را که در این سمینار داشتیم برای سمینارها و تجمع های بعدی جبران و برطرف کنیم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سخنرانی جناب آقای قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم

پنجمین اجلاس نماز است، و پنج شهید محراب داریم دو تن از این شهیدان در تبریز بودند و روز رحلت حضرت معصومه است با ذکر یک صلوات سخنم را آغاز می‌کنم.

جلسه مهمی است. شرکت کنندگان ساده نیامده اند. آیه‌الله مهدوی کنی مریض بودند، بعضی از عزیزان حاضر در جلسه دیشب در فرودگاه در تب و تاب سختی بودند، آیه‌الله موسوی زنجانی پدر دو شهید است و از او شرمنده ایشان هستیم. آیه‌الله جنتی هم همینطور و آیت‌الله انواری هم همینطور. ۳ و ۴ نفر از وزرای عزیز، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم، وزیر بهداشت و درمان با همه اشتغالی که دارند و عصر هم باید در هیأت دولت باشند و ائمه جمعه محترم از استانهای دور و نزدیک، جمعی از استانداران و مدیران کل، تمام مسئولین سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد، مدیران کل آموزش و پرورش، مدیران کل صدا و سیما و جمعی از تجار تهران، که در این جمع صمیمی و نورانی شرکت فرموده اند تشکر می‌کنم. من حرف تازه ای ندارم. اما

[صفحه ۲۲]

می‌خواهم ناله های پنج ساله و چند حرف اضافه را جمع‌بندی و حضورتان عرض کنم.
می‌خواهم چند دقیقه ای راجع به اهمیت نماز صحبت کنم و در چند دقیقه گزارش وار ۳۰ تا آرزویم را بگویم. البته آرزوهای ما ۵۰ تا بوده که به ۲۰ تای آن رسیدیم. ولی چون دیشب یک کسی در فرودگاه به من گفت: چه خبر است این همه پیرمرد و وکیل و وزیر را برای اجلاس نماز می‌کشی؟ مگر چیه؟!

گفتم باید از هیاهوها و تبلیغاتی که نکردیم عذرخواهی کنم. نماز چیزی است که اسلام فرموده، مردم به پشت بام ها بروند و روزی ۵ بار فریاد بکشند؛ و «حی علی الصلوة» بگویند و ما سالی یکبار فریاد می‌کشیم! باید استغفار کنیم که چرا روزی ۵ بار فریاد نمی‌کشیم؟! برای فریادی که می‌کشیم توجیه داریم!!

اما اهمیت نماز - آیه ای که برادر قاری ما خواند، آیه عجیبی بود. میگوید باید جهاد کنید و گرنه نمازخانه یهودیان خراب می‌شود. «لهدمت صوامع و بیع» ترجمه اش این است: «اگر جنگ نکنید عبادتخانه یهودیان خراب می‌شود» عبادت بقدری ارزش دارد که اسلام اجازه میدهد برای حفظ عبادتخانه، حتی مذاهب دیگر خون مسلمان ریخته شود. این معنای عبادت است. آیه‌ای که آیت الله شبستری خواندند؛ من این را از آیت الله حائری و آیت الله العظمی

حاج آقا مرتضی حائری با یک پسوندی شنیدم که آیه با ادامه پسوند به جای مهمی می‌رسد. ۳ آیه را پهلوی هم بگذارید، ببینید چه در می‌آید؟ کشاورزها دو درخت را به هم پیوند می‌دهند، میوه سوم به عمل می‌آید؛ ۳ آیه را به هم پیوند بدهید ببینید چه از آب در می‌آید:

«اقم الصلوة لذكری» ذکرى که شد چه میشود؟ «الا بذكرالله تطمئن القلوب»

[صفحه ۲۳]

اطمینان که حاصل شد: «یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی... اقم الصلوة لذكری، بذكر الله تطمئن، یا ایتها النفس المطمئنه...»

یعنی نماز سکوی پرش به بی‌نهایت است. گیاهانی که ما در این دنیا داریم یا ریشه است، یا تنه، یا میوه؛ نماز هم ریشه است، هم تنه و هم میوه!

اما ریشه است؛ چون ۳۴ روایت از «بُنی الاسلام...» داریم و یکی از آنها نماز است و پس «بنی» یعنی ریشه نماز.

اما تنه، است چون می‌گوید: «الصلوة عمود»

اما میوه است؛ چون قرآن می‌گوید کسی که حکومت به دست می‌گیرد، میوه حکومت اسلامی نماز است. «الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة»

پس نماز هم ریشه است، هم تنه و هم میوه.

نماز محوریت است. اصلاً کنکور است. تا کسی آزمون کنکور ندهد، اصلاً نمی‌گذارند به دانشگاه بیاید. فرض کنیم مخابرات به همه خانه‌ها تلفن داد. وزیر راه همه جا را جاده کشید. شهرداری همه خیابانها، اتوبانها، بلوارها را درست کرد. اصلاً ایران عروس شد. حدیث می‌گوید: «ان قبلت قبل ماسویها» و امیرالمؤمنین می‌گوید، همه کارهای تو «تبع لصلوتک» نماز محور است. نماز درحاشیه بوده، می‌خواهیم آن را به محور بیاوریم.

از نمازخانه‌های چند تا وزارتخانه فیلم‌برداری شد، دیروز یک فیلمی از ۱۷ وزارتخانه دیدم، در سابق نمازخانه انبار سیب زمینی و ذغال بود. الان نمازخانه‌ها عوض شد و این یک حرکتی است!

اقامه نماز در پارک با خجالت همراه بود. بعد از این که اقامه شد طلسم شکست. البته من تا حالا در تلویزیون شش بار تکرار کردم، که نماز در پارک ۸

شرط دارد: ۱- اگر از مسجد دوریم در پارک نماز بخوانیم، نه اینکه مردم را از مسجد توی پارک بیاوریم. بلکه باید مردم را به مسجد ببریم. منتهی اگر مسجد از پارک دور شد در پارک نماز بخوانیم عیبی ندارد. ۲- نماز در پارک سفارشی نباشد. مثل این که دو مینی بوس آدم آنجا ببریم و به صورت مصنوعی نماز بخوانیم. آن کسی که در پارک بستنی می خورد. نماز هم بخواند. ۳- با تعقیب و ختم صلوات و امن یجیب و نمیدانم قطعنامه نباشد. بلکه نماز پنج دقیقه ای باشد نماز ظهر عاشورا رسم نبود، ولی رسم شد. در پادگانها «حی علی الصلوة» حساسی حرکتی کرده و بسیار خوب است که البته جناب آقای صفایی گزارش آن را بیان می کنند.

نماز محور است، نماز گلوگاه است، هر جا که بخواهی تکان بخوری نماز محور است. مجلس شورا: «امرهم شوری بینهم و اقاموا الصلوة» طواف: و اتخذوا من مقام ابراهیم (نماز طواف). تولد امام زمان نیمه شعبان، در هر فراز و نشیبی و در همه گلوگاهها نماز در متن بوده و جاسازی شده است.

نماز ظرف رسالت، اگر پیامبر معراج می رود میگوید «سبحان الذی اسری بعبده» چون عبد است. «اسری عبده و رسوله»

آفرینش برای «عبادت است». ابروباد و مه و خورشید و فلک «خلق لکم، سخر لکم، متاعا لکم، لکم لکم...» هستی برای بشر است و بشر برای عبادت. نماز در حاشیه نیست، بلکه در متن است.

اگر نیروهای مسلح مملکت را امن می کنند؛ امنیت ظرف نماز است. قرآن می گوید «من بعد خوفهم امن» خُب بعد از این که امن شد چه کار باید کرد؟ «یعبدوننی» امنیت برای عبادت است. آفرینش برای عبادت است.

نماز زور می خواهد. اگر فقط بحث ایمان بود، آنوقت قرآن میگفت «الذین امنوا اقاموا الصلوة»، ولی قرآن میگوید: «مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة» یعنی نماز زور می خواهد. چطور شد که در مجلس شورای اسلامی اگر نماینده ای ۱۰ دقیقه دیر کند هیأت رئیسه اعلام می کند، جناب آقای فلانی نماینده شهرستان فلان ۱۱ دقیقه تأخیر کرده و در رادیو آبرویش می رود که ۱۱ دقیقه تأخیر کرده است در حالیکه ۱۷ سال از انقلاب گذشته، ولی در بعضی از سازمانها و اداره ها بعضی ها پای شان را در ۱۷ سال است به نمازخانه نگذاشته اند و ما آبروی آنها را نمی ریزیم.

باید آبروی فردی که نماز نمی‌خواند، ریخته شود آبرو ریختن در اسلام جایز است. یکی در مجلسی که همه اشراف بودند سیخ کبابی خورد و فقرا یا ضعفا نبودند، امیرالمؤمنین یک نامه‌ای نوشت و این سیخ کباب کوفتش شد. یکی به مهمانی اشرافی رفت. حضرت امیر چنان به او تشر زد که در تاریخ آمده وقتی می‌گفتند عثمان بن حنیف می‌پرسیدند همان است که در مجلس اشراف خورد و فقراء نبودند! ما باید یک جایی آبروریزی کنیم. حدیث داریم حضرت رسول (ص) به مسجد آمد و به عده ای گفت: «قم!» پاشو برو بیرون! «قم...» پنج نفر را بیرون کرد و فرمود اینها نماز می‌خوانند؛ اما زکات نمی‌دهند. هفده سال است در انقلاب موعظه است، بس است. در کشور امام زمان، نباید حقوق بگیر دولت تارک الصلوة باشد. نگویید اگر مسجد بیایم، ریا می‌شود. این نوع ریا ثواب هم دارد. ما اگر زیر لحاف می‌گفتیم مرگ بر شاه، شاه نمی‌رفت. باید به خیابان ها برویم و داد بزنیم.

همراه اقامه نماز تظاهر است. و اگر نه اگر آدم تاریخ عاشورا را بخواند و دو لیتر گریه کند. نمی‌گویند اقامه عزاداری. نماز محور است، هدف است. باید در

[صفحه ۲۶]

متن بیاید. باید جدی بشود. در انتخاب مدیر عامل نمونه می‌پرسیم چی شد که فلانی مدیر نمونه انتخاب شده؟ می‌گویند کارخانه ضرر می‌داد، الان سود می‌دهد. می‌پرسیم حالا در مورد نماز چه کار کرده؟ می‌گویند: نه! ما راجع به نماز کاری نکردیم!!

باید در انتخاب معلم نمونه به نماز هم توجه بشود. و در انتخاب مدیر کارخانه هم همینطور.

امروز مسجدهای ما غمخانه شده. به هر کس و هر جوانی بگویی مسجد...! می‌گویند همان جا که ختم مادر بزرگم بود. مسجد است؟ آنجایی که تابوت است؟ وقتی عابر ادرارش می‌گیرد می‌پرسد: ببخشید مسجد کجاست؟

مسجد جای مستراح عمومی، غمخانه، ختم مادر بزرگ و عمه شده. مسجد باید به جایی برسد که هر سرگردی می‌خواهد سرهنگ بشود تو مسجد بشود. عقد دخترها در مسجد باشد. گواهینامه پزشکی در مسجد داده شود. از مسجد خاطره خوش داشته باشند نه ختم عمه و غیره... در قرآن خادم مسجد ۳ نفر بودند: ۱- ذکریای پیغمبر ۲-

ابراهیم و اسمعیل «طهرایتی» ۳- حضرت مریم «نذرت لک ما فی بطنی مُحَررا»

پس خادم مسجد حضرت ذکریا و ابراهیم (ع) بوده، الان مشدعباس و عمو حیدر خادم مسجد شده. خادماهای مسجد ما یا پیرند، یا کورند یا فقیرند، یا سیگاری و یا بداخلاق. بنابراین ما باید همه خادما را به کمیته امداد بدهیم

و به جای آنها برای خادمی مسجد از دیپلم خوش سلیقه استفاده شود. و این یکی از معروفهایی است که باید احیاء بشود. وضع مساجد: در مساجد استان های ما مثل استان مازندران، استاندار تشریف دارند. مساجد بین راهی شبانه روزی

[صفحه ۲۷]

است. شهرهایی که در مسیر راه است؛ مثل قم و قزوین و مازندران، میلیون ها آدم رفت و آمد دارند. لذا مساجد آن ها باید شبانه روز باشد. چطور نیروی انتظامی شبانه روزی است و داروخانه و درمانگاه شبانه روزی داریم، اما مسجد شبانه روزی نداریم. این اهدافی است که ما باید به آن برسیم.

وقتی میخواهند غبار حرم امام رضا را بروند، غبارروبی یک عنوان است. بزرگترین شخصیت های مملکتی لباس سفید می پوشند و برای غبارروبی با غسل زیارت وارد ضریح می شوند. غبارروبی کمال است. اما مسجدروبی کمال نیست. باید برسیم به اینکه مسجدروبی هم یک ارزش باشد. من تمام زیارت نامه ها را در مفاتیح جستجو کردم. تمام چهارده معصوم ما اولین سلامی که به آنها می کنیم «اشهد انک قد اقامت الصلوة» است. به هر حال این مسئله نماز است. به امید روزی که در تلویزیون هر کس می خواهد خود را معرفی کند اول بنده خدا بگوید بعد سردار فلان. مثل مسیح(ع). حضرت عیسی در گهواره اول گفت: «انی عبدالله» بعد گفت «وجعلنی نبیا». بندگی خدا باید مطرح بشود. در و دیوار ما مملو از تبلیغات از پلویز و زودیز و جاروبرقی و نمی دانم اتوبرقی و... است، مگر اینجا اتریش است؟

نیمه شعبان باید سلام بر مهدی و «السلام علیک یا بقیه الله» باشد. تهران و بعضی از شهرهای بزرگ و کوچک این کارها را کردند. تابلوهای خیابانی نمره نماز باید اول باشد. کسی را که می خواهیم استخدام کنیم باید نمازش درست باشد. این کارهایی است که باید به آن برسیم. اما به کارهایی هم رسیدیم:

الحمدلله کارهای خوبی انجام شده.

حساسیت نماز: یک روز آقای دکتر نجفی وزیر محترم آموزش و پرورش

[صفحه ۲۸]

تلفن کرد و گفت: رفتم به نهارخوری وزارتخانه دیدم ۷۰۰ - ۸۰۰ نفر حضور دارند اما نسبت به این آمار نمازخانه کم جمعیت است. یک نامه ای نوشتند و من رفتم آنجا یک تغییری پیدا شد. همین حساسیت را ما می‌خواهیم یعنی وقتی مقایسه شد که نهارخوری شلوغ است ولی نمازخانه خلوت، در این صورت مسئول ناله بزنند. جناب آقای دکتر مرندي چند روز پیش از یک بیمارستان بسیار مهمی بازدید می‌کنند، هیأت امناء و معاون مالی و غیره لوح تقدیر می‌آورند تا ایشان امضاء کنند. در بیمارستان به این مجهزی و مهمی موقع امضای لوح می‌فرماید که من از نمازخانه بازدید نکردم. می‌رود و می‌بیند نمازخانه بیمارستان در شان آنجا نیست! می‌گوید متأسفم لوح را امضاء نمی‌کند! قهر می‌کند و بیرون می‌آید! همه پزشک‌ها رنگشان می‌پرد! و ما همین را می‌خواهیم. فیلمی که به نحوی نماز در آن نیست اجازه پخش داده نشود و هر سرود سازی در بین سرودهای خود یکی دو تا شعر و سرود برای نماز بسازد. ما از مدیرکل اوقاف وقف نامه‌های زیادی گرفتیم. دیدیم ما در مورد نماز وقف نداریم. وقف امام حسن خیلی داریم. ما باید مسئله نماز و وقف برای نماز را در جامعه احیاء کنیم. نماز خیلی کار دارد و من باید این قصه را اینجا بگویم:

امام صادق (ع) فرمود ظهر که میشود چنان بدوید مسجد که بگویند «هؤلاء جعفریة» این شیعه است و یک خبر تلخی بگویم. چون اگر اینجا نگویم، پس کجا بگویم؟! نصف جمعیت بندرعباس شیعه هستند و نصف دیگر سنی. رئیس ستاد اقامه نماز بندرعباس می‌گفت: علامت شناخت شیعه و سنی این است وقتی که ظهر میشود هر کس مغازه اش را می‌بندد می‌گویند این سنی است و هر که مغازه اش باز است می‌گویند این شیعه است. رمز شیعه این است که مغازه‌ها

[صفحه ۲۹]

باز است و حضرت امیر از دست ما خون گریه می‌کند. امام صادق فرمود حرکتی کنید که بگویند «هؤلاء جعفریة» این‌ها شیعه‌اند، حرکتی کردند که بگویند اینها سنی‌اند. به هر حال این ناله‌ها را ما کجا سر بدهیم؟ آیا در اجلاس نماز نباید اینها گفته شود؟

ما باید راههای طی شده را نگاه نکنیم. اصولاً در هر کاری اگر کارهایی کردیم غرور ما را می‌گیرد. مثلاً بگویم چون بنده دو هزار تا کتاب خواندم باسوادم. باید بگوئیم میلیون‌ها کتاب نخواندم. به راههای نرفته نگاه کنید تا بدویم. به رفته‌ها نگاه نکنیم تا غرور ما را بگیرد. الان نمازخانه‌های پادگانها پر است. مساجد دانشگاهها پر است. اما چقدر

تارک الصلوٰۃ داریم؟ چقدر کاهل الصلوٰۃ داریم؟ به نرفته ها نگاه کنید تا خیز بگیریم. اگر به رفته ها نگاه کنیم قانع خواهیم شد. تازه اگر به همه کمالات رسیدیم قرآن میگوید: «فاذا فرغت فانصب». بگذریم. ما خیال می کردیم، بعد از یکی دو سال می توانیم، مسئله نماز را حل کنیم. البته خیلی حل شده ولی هنوز هم، خیلی کار داریم. یک سر نماز زایشگاه است و یک سر آن قبرستان. طفل در زایشگاه متولد میشود، در گوش نوزاد «حی علی الصلوٰۃ» می گویند و در قبر هم نماز همراه است. هیچ عبادتی نداریم که یک سر آن زایشگاه باشد و یک سر دیگر قبرستان. نماز از آدم تا خاتم است در نماز بیشترین تنوع را داریم. ۳۵۰ رقم نماز مستحبی کدگذاری و کشف شده است و هیچ عبادتی اینقدر تنوع ندارد. هر عبادتی شرط دارد. اگر سالمی روزه می گیری اگر پول داری خمس می دهی اگر... زکات، اگر... حج، اگر، اگر...، اما نماز واجبی است که اگر ندارد. نماز جامع تمام کمالات و حلال همه مشکلات است. هر مشکلی داریم قرآن می گوید: «و استعینوا بالصبر و الصلوٰۃ».

[صفحه ۳۰]

من به آقای وزیر کشور تلفن کردم که استاندارها را می خواهیم برای اجلاس دعوت کنیم، اگر استانداران به شما تلفن زدند و از شما مرخصی خواستند شما اجازه بدهید. آقای وزیر کشور گفت: چرا خودم نیایم؟ خودم هم می آیم. برای این که «من استخف بالصلوٰۃ» شامل «من استخف باجلاس الصلوٰۃ» هم میشود. چرا من نیایم و استاندارم را بفرستم؟ باید خودم بروم منتهی دیروز زنگ زدند و گفتند، مسئله ای پیش آمده که نمی توانم در اجلاس شرکت کنم و تعدادی مهر کربلا فرستاد تا به شما عزیزان هدیه کنیم.

باید نماز را که عمود دین است، عمود آن را بردارد. مگر نه اینست که برای جنازه امام باید امام نماز بخواند؟ و امام را امام دفن کند؟ عمود دین را هم باید عمود استان بردارد و عمود استان استاندار و امام جمعه است.

مسئول نماز استانداران و ائمه جمعه و فرمانداران هستند، مدیران تبلیغات و صدا و سیما هستند. زورشان بیشتر است، مسئولیتشان هم بیشتر است. نماز مربوط به همه است. به هر حال آرزوهای زیادی داریم. می خواهیم یکی حساس بشود. الحمدلله حساس شده اند به خواست خدا به جایی رسیدیم که گفتند اتوبوس در وقت نماز نگهدارد، نگه نداشت. و در صورت نگه نداشتن شکایت کردند و اتوبوس را ۳ روز توقف و پنجاه هزار تومان جریمه کردند و ما همین را می خواهیم. مگر میشود برای سیگار و نوشابه و ادرار نگه دارند و برای نماز نگه ندارد؟ هرکس وقتی نگه نداشت همه فریاد بکشند. ما حساسیت می خواهیم. می خواهیم مردم روز جمعه بروند. چون نماز راه رفتن

نمی‌خواهد، هیجان می‌خواهد. «حی» یعنی هیجان. «عجلوا» یعنی هیجان. «فاسعوا» یعنی هیجان. هر وزارتخانه‌ای باید آمار بگیرد. من با بعضی از وزراء صحبت کردم و

[صفحه ۳۱]

سؤال کردم که شما «تارک الصلوة» هم دارید؟ در گوشم گفت: تا دلت بخواهد. گفتم: چه کردید؟ گفت: چه می‌توانم بکنم؟ گفتم آقا یک دانشمندی را به وزارتخانه دعوت کنید! افراد تارک الصلوة را دعوت کنید و بگوئید آقا برو با ایشان بحث کن. اگر نماز را نمیدانی یادت می‌دهم، بلد نیستی یادت می‌دهم، اشکال داری جواب می‌دهم، گردن کلفتی توبیخ و تنبیه تمام شد و رفت.

مردم ۳ دسته هستند. یکدسته مثل توت هستند، شیرین هستند و با یک حرکت می‌ریزند. و بعضی مثل انار هستند باید گرفت و تابش داد. و بعضی‌ها هم مثل گردو باید با چوب به جانش افتاد. به هر حال تا چه وقت حدیث بخوانیم؟ ۵ سال است نصیحت و حدیث گفته شده است، ۱۷ سال است انقلاب شده. به امید روزی که استاد دانشگاه تا صدای اذان را وسط درس شنید، گج را بیندازد. این حدیث تکراری است ولی اجازه بدهید مجدداً عرض کنم. این حدیث را از آیت الله استادی شنیدم. خیلی حدیث مهمی است. مهم‌ترین جلسات تاریخ بخاطر نماز تعطیل شده است.

اسم چند نفر در قرآن آمده است. یهود و نصاری و مجوس و سابتین. سابتین یک رهبری بنام عمر سابعی داشتند. خیلی دانشمند گردن کلفتی بود. زیر بار نمی‌رفت. امام رضا (ع) در یکی از جلسات او را ضربه فنی کرد. وقتی ضربه فنی شد، از لحاظ علمی از نظرها افتاد. گفت: «الان لان قلبی»، الان دلم نرم شده. تا گفت الان دلم نرم شده صدای اذان بلند شد. امام رضا (ع) بلند شد و رفت. گفتند: آقا این رهبر سابتین است. اگر مسلمان بشود همه مسلمان می‌شوند. چند دقیقه جلسه را طول بدهید. خیلی جلسه مهمی است. او رهبر یک فرقه است. آقا امروز نماز اول وقت نخوانید. فرمود: می‌خواهد مسلمان بشود، می‌خواهد نشود! نماز!!

[صفحه ۳۲]

خدا حاج احمد آقا را رحمت کند. می گفت: شاه فرار کرد. صدها دوربین و خبرنگار آمدند. امام رفت روی چهارپایه و پیام امام را مستقیماً به تمام دنیا مخابره و پخش می کردند. و سه کلمه گفته و نگفته گفت: احمد، وقت شده؟ گفت: آقا، اول وقت الان است. یک مرتبه بدون این که خدا حافظی کند پایین آمدند.

آقا دوربین کشورهای دنیا به سمت شما است! آقا چی شد؟ فرمود: وقت نماز است! ما باید به اینجاها برسیم. استاندار و امام جمعه باید مسئول نماز باشد. به امید آیه «ذروا البیع» عملی شود. من آیات قرآن را کد گذاری کردم. آیه ای که هیچکس در تاریخ به آن عمل نکرده! آیه ای که ۱٪ به آن عمل شده! و آیه ای که ۱۶٪ به آن عمل شده! و آیه ای که ۷۰٪ عمل شده! مثلاً آیه ای که تا بحال به آن عمل نشده این است: «بییتون لربهم سجدا و قیاما» من نمیدانم چه کسی به این آیه عمل کرده. اگر امام را نمی دیدم می گفتم به این آیه عمل نشده است. «لایخافون احدا». می گفتم مگر میشود از احدی نترسید؟ اما وجود امام باعث شد که بفهمیم حداقل یک نفر به این آیه عمل کرده است. حالا آن آیه ها بماند.

تأمین بودجه: هر وزارتخانه ای باید واقعا برای نماز بودجه بگذارد. از نظر ساختمان، از نظر تشویق مورد توجه قرار بگیرد. و مسابقات اسرار نماز در دانشگاهها برگزار شود. مقام معظم رهبری در اولین پیامشان فرمودند؛ اسرار نماز باید جزو متن کتابهای دانشگاهی باشد. امروز الحمدلله شورای عالی انقلاب فرهنگی تشریف دارند. هم آیه الله جنتی تشریف دارند و هم ۳ و ۴ نفر از وزراء و هم آقای دکتر جاسبی. اگر این مسئله حل بشود، یکی از مشکلات حل شده است. متأسفانه در کتابهای دانشگاه اسرار الصلوة نیست.

[صفحه ۳۳]

اسرار الصلوة در کتابهای معارف دانشگاه نیست! نیست! و مقام معظم رهبری برای این موضوع ۵ سال پیش فریاد زدند و ۵ سال است که این فرمان زمین خورده!! احیاء نماز صبح جای تعجب است که اگر ۱۰ تا نانوایی تعطیل شود استاندار و فرماندار و مسئولین می گویند: کودتای خزنه و خطرناک شده!! چرا؟ برای این که ۲۰ تا نانوایی تعطیل شده است. اما درب هزاران مسجد صبحها بسته است ولی آب از آب تکان نمی خورد.

نماز صبح باید احیاء بشود. من یک وقتی از خدمت آقای ری شهری تقاضا کردم خودشان هم اینجا تشریف دارند، گفتم چه اشکالی دارد، روحانیونی که به مکه می روند، آن کسی اولویت داشته باشد که صبحها درب مسجد او باز

باشد و جزو امتحانات و اولویت ها باشد؟ برای لیبیک گفتن حج عاشقانه می‌پریم. ولی در ایران در طول سال هر صبح درب مسجد بسته است. به هر حال این کارها باید انجام شده و اولویت ها در نظر گرفته شود.

انشاء مدرسه: موضوع انشاء دانش آموزان راجع به نماز باشد.

تشویق هنرمندان: این ها جزو آرزوهای ما هست. خیلی کارهایی هم انجام شده ولی من نگفتم برای این که خلق تان تنگ نشود. ستاد اقامه نماز تاکنون ۵۰ عنوان کتاب در مورد نماز چاپ کرده و تیراژ آن حدود ۶ میلیون جلد است. و در این ۲، ۳ سال اخیر به ۶، ۷ زبان ترجمه شده است. بیش از ۲ میلیون متر مربع موکت تقسیم شده و بیش از ۵۰۰ شعر و سرود ساخته شده است. در آموزش و پرورش همین استان آذربایجان شرقی که اجلاس برگزار شده ۲۰ تا نماز جماعت بوده ولی الان از مرز ۱۵۰۰ تا گذشته و این حرکتها انجام شده است. اما باید بگویم که نماز مدارس راهنمایی از مدارس دبیرستان بهتر شده است

[صفحه ۳۴]

مسئولین امور متوسطه خیز بگیرند. دانش آموزان راهنمایی از دبیرستانی‌ها بیشتر نماز می‌خوانند. دختران دانش آموز بیشتر از پسرها نماز می‌خوانند بنابراین این کارها هم مانده و باید انجام شود! اکثر چهارصد و چند نفر امام جمعه غیر از ایام جمعه که نماز جمعه می‌خوانند بقیه ایام هفته در دبیرستانها هستند و این حرکت بسیار جالبی است که شده.

بیان کارهای رادیو و تلویزیون خوب است. و حتی کارهای عروسی در مورد نماز انجام شده است. نمایشگاه اختصاصی نماز که دارای ۵۰ غرفه است و یک غرفه آن مربوط به یک خانمی است که از تهران آمده و یک حرکت تازه ای انجام داده و معارف دینی را به صورت عروسی نمایش داده است. مثلاً حدیث داریم که اگر نماز جماعت از ۱۰ نفر بیشتر باشد اگر آسمان ها لوح و درختها قلم و دریاها مرکب شود. کسی نمی‌تواند ثواب آن را بنویسد. این خانم برای بچه ها به شکل عروسک و دریا و مرکب یک جنگل درست کرده و از شاخه های درختان قلم بیرون زده و آسمان را به صورت لوح درآورده که خیلی زیباست. و ۴۰، ۵۰ کار هنری دیگری به صورت عروسی برای آموزش بچه ها انجام شده که جالب توجه است.

۴ جلد کتاب در مورد حکایت نماز نوشته شده و ۶ جلد کتاب شعر فقط برای نماز نوشته شده است. و کارهای بسیاری انجام شده. انصافاً نماز خیلی رشد کرده. از صدقه سر دعای امام زمان علیه السلام و از صدقه سر مقام

معظم رهبری و همه شما و همه مسئولین. اما به امید روزی که یک تارک الصلوة در کشورمان نداشته باشیم. البته بعد از نماز نوبت زکات است. در کل قرآن برای حج یک آیه بیشتر نداریم. و برای وجوب روزه هم در کل قرآن یک آیه بیشتر نداریم. و برای

[صفحه ۳۵]

خمس هم در کل قرآن یک آیه بیشتر نداریم. یعنی خمس و حج و روزه در قرآن یک آیه بیشتر ندارد. ولی برای زکات حدود ۳۲ آیه داریم و در این ۱۶ - ۱۷ سال کسی برای زکات چیزی نگرفت. استاندار شیراز می گفت: مبلغ زکات ما ۵ میلیارد تومان می شود (۲۰ کیلو ۱ کیلو). ۵ میلیارد تومان زکات یعنی دیگر در شیراز فقیر و دختر بی جهیزیه نخواهد بود. زکات هم جزو مسائل فراموش شده است. من ۲۲ طرح فراموش شده را نوشتم و خدمت مقام معظم رهبری دادم. گفتم؛ آقا این ها همه فراموش شده است. ایشان زیر طرح نوشتند، «بسمه تعالی» هر کاری می توانی بکنی بکن یکسری جاها بودجه تبلیغات داریم ولی یکسری واجب ها فراموش شده است به امید این که نماز را احیاء کنیم. نمونه های جالبی در ذهن دارم اگر در میان صبحتهایم چیزی یادم بیاید خواهم گفت. خدایا به ما توفیق بده تا روز به روز با اسرار نماز آشناتر، عاشق تر بشویم مزه مناجات و نماز را به ما بچشان و ما را از مقیمین نماز قرار بده.

آیت الله وحید خراسانی می گفت: اقامه نماز از نظر اهمیت هم وزن رهبری است. گفتم: چطور؟ گفت: برای اینکه ۲ تا «و من ذریتی» در قرآن است. ابراهیم علیه السلام وقتی رهبر شد؛ گفت: «و من ذریتی» راجع به اقامه نماز هم گفت: «رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی» ۲ تا «و من ذریتی» از یک حلقوم. یکی برای رهبری نسل خود و دیگری برای اقامه نماز. من از این آیه می فهمم که باز احیاء نماز با امامت هم وزن است و حق هم هست همین طور باشد ان شاء الله در مورد مسئله نماز باید بیشتر کار کنیم. از میزبان عزیزمان، استان غیور و مذهبی و مخلص و شهری که دو شهید

[صفحه ۳۶]

محراب داده و از استاندار آذربایجان، فرماندار و همه دست اندرکاران که میدانم این ها چند ماه است که برای این
جلسه تلاش می‌کنند از تک تک آنها تشکر می‌کنم
والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

[صفحه ۳۷]

نماز در قرآن

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هریسی

مشاور وزیر آموزش و پرورش

[صفحه ۳۹]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آل محمد

وقتی که تصمیم گرفتم در رابطه با نماز مطالبی را تنظیم کنم و به این اجلاسیه مقدس تقدیم کنم من به یاری خدا در رابطه با قرآن کارهایی انجام می‌دهم و با خود گفتم اگر خدا بخواهد مطلبی بنویسم که به کارم مرتبط باشد. این بود که عنوان مقاله ام را نماز در قرآن انتخاب کردم. ولی وقتی که وارد یک مطالعه درونی شدم؛ دیدم در دریا غرق هستم. لذا تصمیم گرفتم که لااقل جزوه ای بنویسم و ترجمه کنم. خدا می‌داند این که می‌گویم برای مبالغه نیست و یک مقدار که کار کردم؛ دیدم که باز چند مسئله پیش می‌آید.

سوره ای در رابطه با نماز است که در آن سوره نماز عین قرآن است. دو مقدمه هست و بعد از دو مقدمه وارد کل بحث می‌شویم. مقدمه اول - ضرورت برنامه ها در انقلاب اسلامی است. در انقلاب اسلامی و نظام اسلامی فعالیت ها و

[صفحه ۴۰]

برنامه های فرهنگی چقدر است؟ و چه نقش و چقدر ضرورت دارد؟ و جایگاه نماز در این کارها و فعالیت های فرهنگی چیست؟ این مطلب مقدمه اول است. دین و اخلاق و فرهنگ و ارزشهای معنوی و الهی در نظام و انقلاب ما اساس و زیر بنا است. هدف ولایت است. اساسا تفاوت نظام و انقلاب ما با تمام نظام ها و انقلاب های جهان در همین نکته نهفته است. بنابراین فعالیتهای فرهنگی و تربیتی در نظام و جامعه ما باید از اولویت برخوردار باشد و در رأس همه امور و برنامه ها و برنامه ریزی ها قرار گیرد. اگر خدای نکرده روزی در نظام ما از همین امر مقدس غفلت شود و مورد کم لطفی و کم توجهی قرار گیرد و جامعه از آن فاصله بگیرد، در این صورت از اسلامیت نظام و انقلاب

و آرمان ها و اهداف عالیه آن به همان مقدار فاصله خواهیم گرفت. و اگر بتدریج این فاصله و انحطاط بیشتر شود، انقلاب اسلامی حقیقت و هویت و اصالت خود را از دست می‌دهد. در این صورت نه یک جامعه ارزشی و اسلامی خواهد بود و نه می‌تواند یک نظام و حکومت معمولی و حتی از مصداق حکومت های به ظاهر مترقی در جهان می‌باشد. زیرا انقلاب و حکومت ما شأن و هویت خاص خود را می‌طلبد و با تمام حکومت های حاکم در جهان تفاوت اساسی دارد و اگر خصوصیات و ویژگیهای خود را از دست بدهد. نه این می‌شود و نه آن می‌شود! مثل ایل و تبار و چیز پا در هوا و قدیمی تبار خواهد بود و تمام اهداف و آرمانهای آن مدفون خواهد شد. این است که باید در اسلامیت و معنویت جامعه و نظام خود تأکید داشته باشیم. و جنبه ارزشی و اخلاقی آن را تقویت کنیم و در تعمیق و توصیه برنامه ها و فعالیت های فرهنگی و تربیتی همه فعالیت و توان امکانات کشورمان را بکار بگیریم.

به همین دلیل است که مسئولان نظام و در رأس همه آنان مقام

[صفحه ۴۱]

عالی ولایت و رهبری در این امر مقدس تأکید می‌ورزند. طرح های فرهنگی فراوانی به عناوین مختلف در کشور ما مطرح می‌شود و فعالیتهای فرهنگی وسیعی به صورت های مختلف در جامعه اجرا می‌گردد. تا اینجا اهمیت فرهنگ در نظام اسلامی ما بود. اما جایگاه نماز در این فعالیت های فرهنگی چیست؟ و نماز اساس و زیر بنای همه این فعالیت ها و برنامه ها و طرحهای فرهنگی است و مهمتر از همه آنهاست و در رأس همه آنها قرار دارد. بعد از مسئله نماز مسئله قرآن و در فعالیتهای فرهنگی قرآن بعنوان زیر بنا مطرح است و بعد از قرآن در مرتبه سوم هجرت یعنی شناخت و مطلب اهل بیت و پیامبر و آشنایی و انتقال اسوه های انسانیت در رأس امور قرار دارد. باید جوانان مان را با این سه مسئله آشنا کنیم. نماز، قرآن، هجرت. اگر جوانان و جامعه خود را با این سه چیز آشنا کردیم، نظام و انقلاب ما از هم آفت ها بیمه است. نقش اساسی نماز در فرهنگ جامعه بیشتر در این دو نکته نهفته است که اولاً نماز عالیت‌ترین یار خداست. یاد خدا در تمام لحظات و صحنه های زندگی است. به همین جهت هم خاصیت مهارکنندگی و بازدارندگی دارد و هم از خاصیت تحرکها و غیره تکامل بخشی برخوردار است و انگیزش است. یعنی از بدیها و تنازل معنوی باز می‌دارد و به نیکها و تکامل معنوی سوق می‌دهد و ثانیاً نماز یک نوع عقد و قرارداد دینی و ارتباط با خداست. زمانی که ایشان نماز می‌خواند، تعالیم دینی و مفاهیم ارزشی و معنوی برای او معنا و مفهوم پیدا می‌کند و برای پذیرش آنها آمادگی روحی می‌یابد. ولی کسی که نماز نمی‌خواند عملاً از این کار دور

است. یعنی شاید عقیده به دین خدا عقیده داشته و مسلمان باشد. ولی عملاً از دین خدا بیگانه است و کسی که از دین خدا بیگانه باشد؛ مفاهیم ارزشی و مسائل فرهنگی و

[صفحه ۴۲]

تربیتی برای او مفهوم ندارد و تمام طرحها و برنامه ها و فعالیت های معنوی در مورد او بی فایده و نقش بر آب است. این است که گفتیم مسئله نماز در رأس تمام فعالیتهای فرهنگی قرار دارد. نماز باید اساس و پایه تمام برنامه ها و طرحهای تربیتی باشد. باید مردم و جوانان را درست نماز خوان کرد و فرهنگ نماز را در سایر فرهنگ ها حاکم ساخت.

من فرهنگ نماز را از نماز جدا می دانم و در این رابطه عرض می دارم، اگر فرهنگ در جامعه حاکم نباشد، اگر در نمازخوان و در جامعه فرهنگ نماز حاکم نباشد و در این صورت نماز تغییر پیدا نمی کند. فرهنگ نماز خود صادر کننده نماز است. فرهنگ نماز خود توسعه کننده نماز است. اگر نمازخوان بیشتر الگو و نمونه باشد، فرهنگ نماز در جامعه حاکمیت پیدا می کند و توسعه می دهد.

اگر به مسئله فرهنگ اطمینان داشته باشیم به این نتیجه می رسیم. فرهنگ نماز از نماز جدا است. باید برای فرهنگ نماز، طرحی ارائه کرد تا از طریق فرهنگ نماز به نماز برسیم و از نماز هم به فرهنگ نماز. این دو ملازم هم دیگرند. نماز ما را به فرهنگ نماز می رساند و فرهنگ نماز ما را به نماز. و باید عموم مردم، جوانان و نوجوانان را نمازخوان کرد. در جامعه فرهنگ نماز را حاکم ساخت. و نماز و فرهنگ نماز را به صورت فرهنگی در آورد و آنگاه به فعالیت فرهنگی پرداخت و طرحها و برنامه های فرهنگی و تربیتی را اجرا نمود.

غیر از این راهی نیست و یا راه آن با تدبیرهای طولانی است. زیرا جامعه یی که نماز و فرهنگ نماز در آن حاکمیت و عمومیت ندارد، برنامه ها، طرحها و فعالیتهای فرهنگی آن نمی تواند فعالیت و عمومیت پیدا کند و ریشه بدواند. چرا که زیر سایه پشتوانه محکم فرهنگ نماز نیست. و در اینجا است که رمز موفقیت نماز در سایه و نظام اسلامی ما روشن و مبرهن است.

[صفحه ۴۳]

مقدمه دوم بر این اساس است، وقتی که فعالیت های فرهنگی در نظام اسلامی مورد نظر است. و اساس و پایه است و در الویت و در رأس همه چیز قرار دارد. وضعیت فعالیت های فرهنگی با وضع الان چگونه است؟ در یک بررسی اجمالی به این امر اشاره ای شده است. در سطور پیش به دو اصل مسلم اشاره کردیم. یکی نقش و ضرورت فعالیت های فرهنگی در نظام انقلاب اسلامی. دومی تحرک و دین پروری فعالیت های فرهنگی در جامعه ما. که این امر مهم مورد تأکید مقام عالی ولایت و رهبری مورد توجه ویژه مسئولان نظام در برنامه ریزیها و سیاست گذاریها است. اعتبارات و نکته های خوب و مراتبی برای این امر اختصاص پیدا می کند و در اجرای آن مراکز، سازمانها، ارگانها، و نیروهای زیادی در این امر مقدس بسیج شده و در سطح کشور هم به اشکال و عناوین مختلف مشغول فعالیت و ارائه خدمات فرهنگی هستند. یعنی الحمدلله فعالیت در سه مرحله انجام می شود. در مرحله رهنمودهای مقام عالی ولایت، در مقام سیاست گذاری، در مقام اجرا، در هر سه مرحله الحمدلله انجام می شود.

ما همه آنها را دعا می کنیم و خدا ان شاءالله پاداش دهد. ولی دهها بار ولی...! متأسفانه وسایل و امکانات و نیروها و هزینه ها که به این مقدس اختصاص می باید در خیلی از موارد استفاده بهینه بعمل نمی آید و در کل نتیجه مطلوب حاصل نمی گردد و نتایج آن در مقایسه با آنچه از بیرون هزینه فرصت و امکانات کشور سرمایه گذاری می شود.... سرمایه گذاری در تمام مسائل تنها پول نیست. سرمایه گذاری نیروی انسانی است. ساعاتی که در ادارات مصروف می شود. فرصت های طلایی یک کشور

[صفحه ۴۴]

دست می رود... همه برای ما سرمایه است. و به نحو مطلوب استفاده نمی گردد. این در صورتی است که در یک کشور اسلامی و انقلابی باید از بهروری از توانها، ظرفیت ها و امکانات چندین برابر بیشتر از این باشد. و به این معنا که از یک نیرو ده برابر استفاده کنیم و چندین برابر بیشتر از حد متوسط باشد و اگر چندین برابر کمتر از این باشد، از نظر اسلام و انقلاب قابل توجیه نیست. خیلی خسارت جنون باری است و با اهداف و عظمت اسلام و روح اسلام هم خوانی و سازگاری ندارد.

ما نباید عمل گرا و عمل زده باشیم و با فعالیت های ظاهری و بیلان عمل های ارائه شده خود را سرگرم کنیم. و خوشحال شویم. بلکه باید نتیجه گرا باشیم و نتایج را با سرمایه گذاری های مادی و معنوی مقایسه و ارزیابی کنیم. که متأسفانه این ارزیابی نتیجه مطلوبی را نشان نمی دهد و خوشحال کننده نیست و این خود علل و عواملی دارد و

بخشی از آن این پنج علت است اشاره می‌کنم خدا شاهد است. چون من خودم اینها را در آن مسائل و برنامه ریزی‌ها و جلسات و غیره و در خیلی جلسه‌ها شرکت که کردم. لمس کردم که الان می‌گویم و اینها را در چند جمله آوردم این حقیقت تلخ در چند جمله بیان شدنی نیست. هرکدام از آن به جزوه ای نیازمند است. من اشاره می‌کنم و نیاز دارد که گفته شود ولی گفتن آن نیاز به وقت دارد. اولاً برنامه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی در کشور ما به نوعی بی‌نظمی و پراکندگی مبتلاست و ارزشهای علمی و اصولی از یک نظام صحیح و متری پیروی نمی‌کند. ثانیاً در بعضی از موارد کار در دست افراد صحیح و افراد خبره و دارای شرایط و کاردان نیست و ثالثاً شوراها در اختصاص سیاستگذاری و نظارت

[صفحه ۴۵]

عینیت تلاش و کوشش اعضاء بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرده و حال اگر بخواهیم در جلسات بنشینیم. همه ی وقتم تمام است. رابعا هزینه‌های تخصصی و یا جمعی با هزینه‌های تخصصی این است که دولت برای برنامه‌های هدفگیر یک هزینه‌هایی می‌گذارد. اما هزینه‌های تخصصی و جمعی.

هزینه تخصصی این است دولت برای فعالیت‌های فرهنگی به یک هزینه‌هایی نیاز دارد. اما هزینه‌های جمعی این است که مراکز فرهنگی درآمد دارند و حتی به خرید و فروش و کارهای زشت اقتصادی وارد می‌شوند. از آنجا گناه می‌کنند که عمل به جای عمل واجب مستحب انجام می‌دهند. هزینه‌های، تخصصی و یا جنبی برای برنامه‌های فرهنگی و مخصوصاً برای طرحهای غیر متمرکز، مانند: طرحهای مخابراتی و فرهنگی، امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم فرهنگ عمومی کشور، جوانان و امثال آن در میان ده‌ها ارگان و یا سازمان مانند گوشت قربانی تقسیم می‌شود و هر یک از آنها می‌کوشند از آن گوشت قربانی سهم بیشتری نصیبشان شود. گرچه بعضی از آنها خدمات نسبتاً خوب و مفیدی را ارائه می‌دهند. ولی در کل مخصوصاً در بعضی از موارد نسبت به عظمت و اهمیت امر حجم بالای فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نتایج آن در حد نادر و بسیار ناچیز است و در عین حال گزارشها و بیلان عمل‌ها کلیدی بسیار بالاست. تا صف‌ها بطور تصاعدی افزایش پیدا کند. متأسفانه کسی و یا مرجعی وجود ندارد.

که براین امر مهم نظارت نموده و شیوه عملکرد و کارآنها را ارزیابی و نظارت نماید.

و نحوه هزینه‌ها را کنترل و بررسی نماید. خامسا کوتاهی در جلب اعتماد

مردم و جوانان تأثیر برنامه ها و فعالیت های فرهنگی نسبت به قداست نظام و مسئولین تنزل می بخشد. برای اینکه اساس پیشرفت برنامه های فرهنگی ما اعتماد مردم جوانان ما به نظام مقدس اسلامی و مسئولین کار است و اگر این اعتماد ادامه یابد و قداست محفوظ بشود. برنامه های فرهنگی تأثیر خود را از دست نمی دهد. برای این عوامل عللی وجود دارد. که بررسی آن در این مقال نمی گنجد.

خوشبختانه ستاد اقامه نماز در کشور ما بسیار مؤثر و بابرکت بوده و حرکت مثبت و ملموسی را یادآور می شود. فضای مقدس کشورمان را با حال و هوای نماز عطرآگین نموده و شور و شوق عبادت و پرستش الهی را در دل جوانانمان برانگیخته است و این فریضه مقدس را در نظام اسلامیمان زنده ساخته بطوریکه این امر مقدس به سمت همگانی شدن پیش می رود. اجلاس هایی که برگزار نموده هر کدام آثار و برکات جاودانه ای خود به یادگار گذاشته است. مقالات و جزوات مختلف و مفیدی را درباره نماز ارائه نموده است. ولی یک ضعف و کمبودی احساس می شود که با رفع آن ستاد اقامه نماز کاملتر و موفق تر خواهد بود و آن این که جزوات ساده در مورد نماز که شور و شوق جوانان را به نماز برانگیزد و اشتهاهای آن ها را بر این غذای معنوی شدت می بخشد. بسیار خوب و ضروری است. ولی کافی نیست. زیرا نماز یک حقیقت علمی، فلسفی، و عرفانی است. نماز مسائل فراوان و مباحث علمی و تحقیقی و وسیع و گسترده ای دارد.

من به کتاب جواهرالکلام نگاهی کردم. دیدم. حدود سه هزار مسئله فرعی در رابطه با نماز مطرح کرده در صورتی که این فقط مباحث فقهی آن است. اگر مسائل سیاسی و اخلاقی و عرفانی و همه اینها را که شما جمع آوری کنید،

خواهید دید که از ده هزار مسئله در رابطه با نماز بحث شده است. نماز در اسلام و منابع اسلامی و در قرآن و فقه و حدیث بیش از هر چیز دیگر مطرح شده است. این امر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اگر تمام مباحث مربوط به نماز در یک جا جمع آوری گردد. دائرةالمعارف قطوری را تشکیل خواهد داد نماز تنها حرف و شعار نیست. که فقط آن را تعریف کنیم و بگوئیم نماز خوب است. نماز بخوانید. نماز باید ریشه دار باشد. از درون برخیزد و در جامعه منتشر شود. نور باید از درون برخیزد و نماز باید بصورت علمی و تحقیقی در جامعه مطرح گردد و در دانشگاهها به عنوان واحدهای درسی، پروژه های تحقیقاتی و پایان نامه ها جایگاه خاص خود را پیدا کند. تا

شناخت علمی نسبت به نماز در میان مردم و جوانان حاصل شود و آشنایی با نماز از مرحله شعر و شعار به مرحله علم و شعور تکامل پیدا کند و عمیق و ریشه دار گردد. اشتهای جوی و زودگذر به اشتهای دائمی و ثابت تبدیل شود و نماز ابهت و عظمت علمی در اذهان پیدا کند تا با وزیدن باد مخالف و تغییر شرایط به سستی و تزلزل نگراید و به این نکته نیز باید توجه کرد که مباحث علمی و تحقیقی خاص حوزه های علمیه و دانشگاهها نیست. بلکه باید مباحث علمی را در سطح عموم طوری مطرح کرد که همگان از آن بهره جویند و شناخت علمی و ریشه دار از مسائل پیدا نمایند. به همین منظور از فرصت پنجمین اجلاس نماز استفاده نموده تا یک بحث علمی را در مورد نماز تحت عنوان نماز در قرآن آغاز کنیم و فتح باب یا تداومی برای طرح مباحث علمی در سطح عموم باشد. و این بحث در دو بخش انجام می شود، بخش اول - کلیات یعنی مباحث کلی نماز که حدود ۱۴ فصل است که می خواستم خلاصه آن فصلها را که واقعا بحث های تحقیقاتی در قرآن است به

[صفحه ۴۸]

عرض برسانم که ضیق وقت اجازه نمی دهد. پس بخش اول کلیات است. یعنی مباحث کلی نماز در قرآن بخش دوم - تفسیر آیات نماز در قرآن است. حدود ۱۱۴۴ مورد آن را پیدا کردم صد آیه خاص صریح قرآن است. و بقیه هم به عناوین مختلف. این قسمت از تفسیر آیات نماز در قرآن که در بخش دوم کتاب خواهد آمد. و استفاده و نکات آموزنده و مباحث درسهای نهفته در آن بعنوان هدیه به پنجمین اجلاس نماز و نمازگزاران و یاران قرآن و عاشقان نماز و قرآن اهدا و تقدیم کنم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

[صفحه ۴۹]

زن در حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی

جناب آقای دکتر علی قائمی

[صفحه ۵۱]

بسم الله الرحمن الرحيم

«متن سخنرانی جناب آقای دکتر علی قائمی»

اساس خانواده که در سه بعد قابل بحث و بررسی است. اول در رابطه با مسئله زوجین، دوم در رابطه با فرزندان و سوم در رابطه با جامعه. اعضاء خانواده از دو وجود اولیه که هسته خانواده را تشکیل می‌دهند شکل می‌گیرد. یعنی زن و مرد و بوسیله فرزندان راه تکامل را می‌پیمایند. درباره زن سعی بر این است که مسئله را از دو نگاه بنگریم. یکی از این دید که زن چه هست؟ این مسئله را از بعد روانشناسی و مذهب می‌کاویم. دوم بحث در این مورد که زن چه می‌تواند باشد؟ یعنی حرکت از وضع موجود سیر به سوی مطلوب را بحث خواهیم کرد. پنج بعد را در این بحث مطرح می‌کنم اول - زن چه می‌تواند باشد؟ در جنبه حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معنوی قابل بررسی است. نکته دوم که در بحث به آن تکیه خواهیم کرد، نقش تنفیذی زن است. زن چه گونه می‌تواند نفوذ کند؟ و چه خدماتی را می‌تواند انجام دهد؟ چه سابقه‌ی بی‌ از این

[صفحه ۵۲]

تاثیرات در دنیای مذهب مطرح هست؟ زن در احیاء نماز چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ چه رازهایی در تاثیرگذاری زن در امر نماز مطرح هست؟ که این مسئله را از سه بعد بحث خواهیم کرد. اول - از نظر روابط، دوم - از نظر خواستاریها، سوم - از نظر آمادگی‌هایی که در کودکان، نوجوانان، جوانان و همسران وجود دارد. و در اواخر بحث به چند نکته مهم اشاره خواهم کرد. از جمله ضرورت تلاش یک زن در احیاء مذهب در اعمال برنامه نماز چه کارهایی را می‌توانیم بکنیم؟ در دنیای وجود چه شئونی برای زن وجود دارد؟

زن چه اصولی را باید رعایت کند؟ و چه روش‌هایی را باید بکار بگیرد؟ چه عوامل کمکی در این زمینه هست؟ زن چه سرمایه‌هایی را در اختیار دارد تا از این سرمایه‌ها بتواند به نحو احسن انجام وظیفه کند؟ در حقیقت اینها

رئوس مباحثی است که در نظر گرفته ام. البته برای تمام این بحث ها فرصت نیست تا مطرح کنم. سعی می‌کنم که خطوط کلی بحث را عرض کنم.

در مقدمه توجه خواهران محترم بخصوص تحصیل کرده ها را به این نکته که جامعه شناسان پنج عامل را در رشد و مدنیت یک جامعه مؤثر می‌دانند؛ می‌خواهم جلب کنم. این پنج عامل عبارتند از خانواده، تربیت، مذهب، حکومت، اقتصاد. از بین این پنج رکنی که پایه تمدن هر کشور را ایجاد می‌کند، مهمترین آنها را خانواده می‌دانند. به این علت که خانواده در حقیقت عاملی برای ایجاد رشد و پیشرفت و تحقق چهار عامل دیگر است. ما از نظر علمی بر خانواده اهمیتی قائل هستیم به این علت که دنیای کودک است. مرکز عاطفه و پذیرش و تعلق است. مرکز تشکل اخلاق است. مرکز بروز و گسترش فلسفه حیات است. و بالاخره نخستین مرکز عاطفه و مکتب و مدرسه است. برای

[صفحه ۵۳]

درس آموزی یک فرد، راز اهمیت خانواده را در پنج عامل می‌شود خلاصه کرد یعنی پنج عامل سبب می‌شود که خانواده یک مهم محسوب می‌شود. عامل اول عامل وراثت و خون که تا پایان عمر با ایشان است و نقش حیاتی دارد. عامل دوم - راز اهمیت آن با عامل محیط تبیین می‌شود. دامنه محیط وسیع است. از محیط رحم گرفته تا محیط فرهنگی و محیط معنوی و اجتماعی، عامل سوم - وجود عامل نیاز و رفع نیازمندی است که بشر در سایه رفع نیاز زنده است. عامل چهارم خانواده بعنوان الگو می‌باشد که همه حرکات، رفتارها و عملکردهای پدر و مادر نقش تثبیت شونده در فرزندان برجای می‌گذارند. تا حدی که روانشناسان سخن از این دارند که ۷۰٪ پایه های رفتار یک انسان تا پایان عمر از کودکی تا ۶ سالگی شکل می‌گیرد. عامل پنجم آمیخته بودن مهر و انضباط در جو خانه‌هاست. در یک خانواده متعادل مادر مظهر عاطفه و جذب و کشش است و پدر عامل اجرای قانون و انضباط. و هنگامی که قانون و عاطفه در هم بیامیزد در این صورت معجزه تربیت به وقوع می‌پیوندد.

از نظر علم و عمل و مذهب سه کارکرد اساسی را برای خانواده ها قائل هستیم.

اول رابطه زن و شوهری که بر مهر، صفا، پذیرش و تعلق، زوجیت مشروع، گذشت و اخلاص، تکمیل و تکامل، زاد و ولد و سرایت فرهنگ مبتنی است. دوم - در رابطه با فرزندان است. که کل مسائل آن در دو کلمه خلاصه می‌شود. و خانواده درباره فرزندان دو کار عمده دارد. ۱- ساختن و به عمل آوردن کودک با این فرض که او در ابتدای

ولادت همچون سنگ معدنی خام است. پدر و مادر این سنگ معدنی را از کوره های مختلف ذوب می گذرانند. و به یک مصنوع

[صفحه ۵۴]

پربها تبدیل می کنند. ۲- در رابطه فرزندان و مسئله رهایی و تلخیص است. یعنی والدین، فرزندان را از هر چه که او را بنده کند و اسیربار آورد رهایش می دهند. پس یک بعد از کارکرد در رابطه با زوجین است. و بعد دیگر در رابطه با فرزندان و بعد سوّم در رابطه با جامعه ما خانواده را خشت اول بنای تأسیس یک جامعه می دانیم. ریشه هر فرهنگ مدّیت و جنگ و صلح را در خانواده جستجو می کنیم. هسته اولیه خانواده را پیوند مشروع مرد و زنی تشکیل می دهد که در قالب نکاح در کنار هم قرار می گیرند و با پیمان انس و الفت سنن الهی را تحقق می بخشند. خانواده دو رکن اولیه دارد زن و مرد. اما آنچه به نظر ما شکل دهنده است. وجود زن است. نه به این خاطر که داریم شعاری را مطرح می کنیم. در باب زن مسئله را از دو دید می نگریم: یکی از این دید که چه هست؟ دوم از این دید که چه می تواند باشد؟ فعلا بعد مذهب را مقدم می دارم. در تعبیر رسول اکرم زن به عنوان یک ریحانه و گل معرفی شده است. در تعبیر دیگر بعنوان یک لعبت و درّانه و در تعبیر سوم شاهکار خلقت و در تعبیر چهارم عامل هستی بخش. و در تعبیر پنجم در قرآن عامل سکون و آرامش بخش. و باز در تعبیر ششم در قرآن زن به عنوان یک آیت و نشانه الهی «و من آیاته ان خلقکم من انفسکم ازواجاً» یاد شده است. در آنچه که به بعد روانشناسی قضیه و جامعه شناسی آن مربوط می شود. زن رام کننده نفس سرکش مردان و پایبند کننده غزالان رمنده است. به تعبیر شهید مطهری هم دل است، هم راز است. هم پرواز، و همسر یعنی هم درجه. هم شئون. و یا در تعبیر اسلام همسر کفو دنیایی از عاطفه و مهر و پذیرش است که این مورد تأیید روانشناسان است. زن پرستاری مهربان و

[صفحه ۵۵]

زاینده رجال تاریخ و به تعبیر پیامبر سیده لاهلها بانوی خانه است. و باز در تعبیر دیگر چهره دوست داشتنی افراد خانه یا قلب تپنده کودکان و آهن ربای دل آنها و حتی دل همسر مدیر و رکن خانواده و مایه قوام خانواده است. ساکت و خاموش و در دل ها موج آفرین است. این چیزی است که خدا او را این گونه آفریده است.

اما آنچه که می‌تواند از وضع موجود سیر بسوی مطلوب باشد، در پنج بعد عرض می‌کنم که چه می‌تواند باشد؟ یک بعد آن اجتماعی است. زن چه می‌تواند باشد؟ می‌تواند موجودی دربرگیرنده باشد. اینها را عرض می‌کنم تا وقتی که به بحث نماز رسیدیم، ببینیم از این سرمایه‌ها چه بهره‌ای می‌شود گرفت؟ عامل پیوند دل‌های از هم گسسته می‌تواند باشد. می‌تواند عامل انس شفقت و رحمت باشد. سازنده اخلاق و موجب غنای روح باشد. او می‌تواند بساط وحدت و اتحاد را در بعد اجتماعی پهن کند او می‌تواند نظام آفرینش را از طریق زاد و ولد تحقق ببخشد. و از سقوطها جلوگیری باشد آموزنده درس صفا و گذشت و اخلاص باشد. (این‌ها در بعد اجتماعی قضیه مطرح بود.) در بعد فرهنگی، زن یک معلم و مربی است. چون نخستین زمزمه سخن را او به فرزندان می‌آموزد. او می‌تواند الهام بخش شرافتها و قداستها باشد. عکس قضیه هم هست یعنی اگر در جامعه‌ای فساد است بیش از آنکه در این زمینه جرمی برای مردان باشد، جرم برای آن زنی است که چراغ سبز نشان می‌دهد. سازنده افکار می‌تواند، باشد. زن می‌تواند ویران‌کننده یا پدیدآورنده فلسفه حیات، می‌تواند آموزگار ادب و آداب و رسوم و تشریفات و حافظ سنن و شعائر باشد. زن می‌تواند یک هنرمند باشد و با تارهای دل فرزند و همسر بازی کند و از آن صدای مطلوب بیرون

[صفحه ۵۶]

بیاورد. زن می‌تواند پاسدار ارزشها و قداستها باشد و سازنده و پرورنده نسلها و مبدع و مخترع و یک منبع فیض در ایجاد جوششها و اغناءها باشد. در بعد سیاسی زن می‌تواند در جنبه دفاع و احیاء سرهای پرشور و پر حرارت در جنبه دفاع و احیاء داشته باشد. می‌تواند آزادیخواه و استقلال طلب پیروRAND. دقت کنید. همه شنیده‌اید که حسین بن علی (ع) در برابر بیعت یزید گفت: «هیئات من الذله» دنباله آن را کم شنیده‌اید؛ فرمود ذلت از ما به دور است چرا؟ زیرا به مسئله تربیت و آزادی توسط مادرش اشاره کرد و گفت: خدای راضی نیست که این ذلت را بپذیریم «هجور طابت و طهرت» آن دامنی که من در آن پرورده شدم، آن پستانی که من از آن شیر نوشیدم، به من درس آزادی داد. این است که من تسلیم نخواهم شد.

در بعد سیاسی زن می‌تواند آزادمنش بار بیاورد. ثمره‌ی تربیت فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌تواند مبارز و مدافع بار بیاورد. زن موجد تحرک است، به این معنا که ما نمونه‌های آن را در جبهه جنگ خودمان دیده‌ایم. که چگونه بعضی از مادران و همسران جهت دادند؟ من فقط یک واقعه عاشورا را به یادتان می‌آورم، وهب تازه داماد وقتی که غربت حسین بن علی (ع) را دید جنگی کرد. رو کرد به مادر و گفت راضی شدی؟ گفت: نه راضی نشدم! دوباره

برو! این بار رفت و به شهادت رسید. دشمن سر او را به سمت مادرش پرت کرد. مادر سر فرزندش را بوسید، گفت: پسرم حالا از تو راضی هستم!!؟ و بعد گفت سری که در راه خدا دادیم، پس نمی‌گیریم! و بعد به سمت دشمن پرت کرد!

زن می‌تواند دینامیسم تحول و ایجاد تحرک و جهت دهنده باشد. می‌تواند به سوی مجد و اعتلا و افتخار سازمانده نظام باشد. سوق دهنده به سوی

[صفحه ۵۷]

حکومت های آزادی‌بخش باشد.

نکته چهارم - زن در بعد اقتصادی چه می‌تواند باشد؟ او می‌تواند محرک اعضای خانواده باشد. زن می‌تواند برای کار و تولید (زاینده کسالتها) کنترل‌کننده مصرف باشد. اگر در یک نظامی اسراف و تبذیر است. علت این است که زنان در آن نظام برای اقتصاد تربیت نشده‌اند. مثال عرض می‌کنم. بسیاری از شما خانه دار هستید. می‌دانم که بسیاری از شما در محیط خانه خود گاهی صرفه جویی‌های کوچکی دارید. به عنوان مثال حتی برای دو حبه قند. می‌دانید یک روز این دو تا حبه قند آبرویی را حفظ می‌کند. زن می‌تواند در مصرف کنترل‌کننده بوده و محیط زندگی را به صورتی تربیت کند که قرآن فرموده است. «تحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف» زن می‌تواند بچه‌هایی تربیت کند که این بچه‌ها در عین گرسنگی چهره سرخ داشته باشند. کسی گمان نبرد که او فقیر و درمانده است. و نکته پنجم - در بعد معنوی است. زن می‌تواند کنیز مذهب باشد. مریم را به یاد بیاورید. مادر موسی را به یاد بیاورید. زن می‌تواند شوهر گمراه را به راه بیاورد. و فرزندان را به دیانت و تقوا دعوت کند. زن می‌تواند موجبات زایمان از گناه را برای نسل بوجود بیاورد. زن می‌تواند روح عبادت و مناجات را در فرزندان بوجود آورد. شنیده اید، امام مجتبی (ع) در طول مدت عمر خود چند بار کل هستی خود را دو بخش کرد. بخشی را در راه خدا و بخشی را در راه خود داد. بعد درباره رمز و راز این کار از ایشان سؤال کردند؛ فرمودند: یاد دارم، بعضی از شب‌ها بیدار بودم. مادرم را در محراب عبادت می‌دیدم. در قنوتش چنین دعا می‌کرد. فلان همسایه گرفتار و بدبخت است. کمکش کن. فلان کس بدهکار است. فلان کس مشکل دارد. یکبار به او

[صفحه ۵۸]

گفتم. مادر! چرا ما را دعا نمی‌کنی؟ ما که فرزند تو هستیم! گفت: پسر! اول مردم، بعد خانه. و این سخن مادر برای من درس شد. زن می‌تواند، در بعد معنوی یک چنین روحیه ای را در فرزندان بوجود بیاورد. اما در بعد خدمات دینی در بینش اسلامی ما مردان مسئول امر دینی خانواده هستند. مرد آیت الله خانه و امام و مجتهد خانه است. وظیفه اوست که به اعضاء خانه دین بیاموزد. قرآن می‌گوید «قوانفسکم و اهلیکم نارا» و در جای دیگر «و امر اهلک بالصلوة» در داستان اسماعیل پیامبر، «و کان یأمر اهله بالصلوة» این از لحاظ صورت قضیه است. اما نقش اثر بخشی دین، مربوط به زن است. مرد مثل یک خطیب است و در منبر سخنرانی می‌کند. سخنرانی او ضمانت اجرا ندارد. بنده پای یک سخنرانی می‌نشینم، بعد بیرون می‌روم ممکن است بعدا حرفها را عمل بکنم، یا نکنم. نصیحتی بود. موعظه ای بود. اما آنکه موعظه را تحقق می‌بخشد و تثبیت می‌کند، در دل این زن است. در ابعاد مربوط به خدمات دینی، یک بعد از آن الگوبردازی است. مادر الگوست. این را بحث خواهم کرد. داستان مادر موسی یادمان باشد. فرصت ندارم. بحث کنم خواهران داستان همسر فرعون و داستان مریم را در قرآن مطالعه کنند.

هاجر زنی کنیز و برده است. خدا در پیری ابراهیم فرزندی به او داد. در برابر هویش که بانویی آزاده است. بی‌بچه است ابراهیم از جانب خدا مأمور شد که هاجر را در بیابان در همان محلی که خانه کعبه است بگذارد. بخاطر دل ساره را چرا؟ دستور است! به بیابان برد. ابراهیم بچه تازه به دنیا آمده را پایین آورده و از هاجر خداحافظی کرد. هاجر گفت: در اینجا مرا به چه کسی می‌سپاری؟ در این بیابانی که نه پناهی دارد! نه درختی! نه آبی! نه نانی! نه غذایی! چه کنم؟ ابراهیم

[صفحه ۵۹]

گفت: هاجر! فرمان خداست. هاجر چشم گفت و تسلیم شد و دیدید که خدا به این زن چه آبرویی داد! این کنیز زر خرید؛ کارش به جایی رسید که قبر او را طواف می‌کنند. آنهایی که حج رفتند، می‌دانند، شما که به عنوان طواف خانه خدا را طواف می‌کنید، قبر هاجر را هم طواف می‌کنید. نه تنها ما بلکه همه انبیاء الهی و همه اولای خدا اخلاص و خلوص تسلیم آنها این اثر را در دلها می‌گذارد. اما در آنچه که به مسئله احیاء نماز مربوط می‌شود. اصل نقش وظیفه پدر است. پدر وظیفه دارد فرزندان و اهل خانه را برای نماز و عبادت آماده کند. اما برای آنهایی که دانشجو هستند و تحصیلاتی دارند. یک تحقیق علمی صورت گرفته است که عرض می‌کنم، آنچه که من و شما می‌دانیم چه

مقدار از آن و برای چه چیزی است؟ تحقیق نشان داده است که ۸۳٪ از آنچه که من و شما در صحنه زندگی عمل می‌کنیم مربوط به دیدهای ما هست. پس ۸۳٪ عمل ما به دیدهای ما وصل است. ۱۱٪ به شنیده‌های ما و ۵ / ۳٪ از طریق بویایی ما و ۱٪ از طریق چشایی ما و ۵/۱٪ از طریق لمس ما. پس ۸۳٪ آنچه را که ما در عرصه زندگی می‌دانیم و بکار می‌بندیم، چیزهایی است که دیده ایم می‌خواهم شما را به مسئله بچه‌ها که معمولاً در شش سال اول در کنار مادرند توجه بدهم. بچه‌ها دائماً می‌بینند، مادر در وقت نماز خم و راست می‌شود. عبادت و راز و نیاز می‌کند قبلاً گفتم ۷۰٪ پایه‌های رفتاری تا سن ۶ سالگی شکل می‌گیرد. پس بچه آنچه را می‌بیند به صحنه تحقق و عمل می‌کشانند. درست است که پدر خانواده نماز می‌خواند. ولی می‌دانید اغلب نماز پدران یا در محل کار است یا در مساجد. آن کسی که بیشتر در خانه حضور دارد مادر است. نه بچه و او هم دائماً از همان ۱ سالگی منتظر شیر مادرش است. می‌بیند مادر دولا و راست می‌شود و شیر نمی‌دهد. تا

[صفحه ۶۰]

تمام شود ۳ سالگی ۴ سالگی و ۵ سالگی تمام شود و در سن خردسالی به دبستان برود باز وقتی که از دبستان به خانه آمد پدر را نمی‌بیند. مادر را می‌بیند. این طور است. نه تنها مادر را می‌بیند. حتی بچه‌های نوجوان و جوان ما با مادر بیشتر مأنوس هستند. تا با پدر پس دیدها اثر دارد.

خواستم این نکته را اشاره کنم که تاثیرگذاری زن در تربیت فرزند برای نماز به مراتب از تاثیرگذاری پدر موثرتر است. گویا این که پدر وظیفه است. یعنی اینکه در روز قیامت اگر فرزند ما بی‌نماز شد؛ پدر را دراز می‌کنند. که چرا بچه ات بی‌نماز است؟ ولی نقش اثربخشی آن مربوط به زن است. در بعد مربوط به راز تاثیرگذاریها من چند تا نکته را می‌خواهم عرض کنم که این نکته‌ها دارای بعد علمی و درعین حال دارای بعد مذهبی هم هست. چرا زن مؤثر است؟ به چند دلیل؛ یک دلیلش بعد رابطه ایی آن است. در این رابطه، رابطه خون و وراثت یک اصل است. رابطه و محبت رابطه کلامی تفهیم و تفاهم، رابطه وابستگی‌ها، رابطه پذیرش مادران، بیشتر بچه را می‌پذیرند تا پدران. رابطه لطف و نرمی و مهر، رابطه محرم راز بودن هم همین طور. من یک مثال را برایتان ذکر می‌کنم. دختر خانمی به پسری جوان علاقمند می‌شود. می‌خواهد ازدواج کند. محرم رازش چه کسی است؟ اول با مادر مسئله را در میان می‌گذارد، بعد با پدر رابطه سنخیت و تناسب دهی، رابطه کثرت حضور و ارتباط مداوم، رابطه آمیختگی مهر و قهر، رابطه صدق و صفا باعث می‌شود که اثر بخشی زن در این بعد بیشتر باشد.

در بعد مربوط به نیازها هم باز نقش زن را موثرتر می‌بینیم. به دلیل خداخواهی فطری انسان که امری عام است. و مادر آن خداخواهی را تجلی

[صفحه ۶۱]

می‌دهد. رابطه حقیقت جویی انسان با نماز، رابطه ستایش و تقدیس، رابطه نیایش و دعا، رابطه فهم متافیزیک، رابطه تمرین عبادات، رابطه فهم دین و جهان غیب که اینها در اندرون ما به صورت الهامات وجود دارند و در قالب فطرت است که سبب می‌شود اثر بخشی زن در احیاء این حقیقت خواهیها موثرتر از پدران باشد. و مسئله سوم بعد آمادگیهایی است که در نسل وجود دارد. فرزندان ما دارای حالت کنجکاوند. دارای تأثیر پذیرند. به اصطلاح دین کودک مصداق یا سریع الرضای خدا است. زود تسلیم می‌شود. چون مخاطب، خانم‌ها هستند از خانم‌ها مثال می‌آورم. گاهی مادری عصبانی می‌شود. بچه اش را کتک می‌زند. این بچه گریه می‌کند. می‌رود یک گوشه ای کز می‌کند مادر دوباره با قربان و صدقه بچه را جذب می‌کند. دوباره این بچه خودش را به دامن مادر می‌برد این جذب و انجذاب حالت آهنربایی دارد و دلها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رابطه تقلید و تبعیت، رابطه همانندسازی رابطه صید اطلاعات و چراجویی‌هایی که در فرزندان ما وجود دارد، وجود تفکر منطقی در فرزندان از سن ۷ سالگی و درک روابط علت و معلولی از همین سن، رابطه رفاقت و انس نسبتا وسیع با مادر، رابطه برهان پذیری فرزندان پس از ۸ سالگی سبب می‌شود که در ارتباط مداوم مادر و فرزند بچه رنگ مادر را بگیرد. مادر می‌تواند یک سری تاثیراتی را در نوجوان داشته باشد و در مورد جوان فعلا صرفه نظر می‌کنم فقط یک اشاره ای می‌کنم. درباره تاثیر زن در همسران و درباره مردان بی‌نماز که توسط زنانشان نمازخوان شدند یک تحقیقی را انجام دادیم. در تاریخ در مورد زن خیلی بحث می‌کنند. زن مظلوم است. زن را کتک می‌زنند. توسری‌خور است. از این حرفها. ولی هیچ کس این بعد قضیه را توجه

[صفحه ۶۲]

نکرده است. در عین کتک خوردن حتی از سوی یک شوهر گستاخ فاحش اصلی اوست. و او پیروز است. اوست که در عین حالا دل را در گرو دارد. دل فرزند و دل همسر. آمار نشان می‌دهد. میزان موفقیت زنان در نماز خوان کردن

شوهران ۸۱٪ بوده است. یعنی زنان همین اینهایی که ضعیف هستند. همین اینهایی که به قول معروف بعضی شوهرها خدای ناخواسته ممکن است کتکشان بزنند و از این قبیل توانستند از صد مرد نمازخوان ۸۱ نفر را به راه خدا بیاورند در این زمینه آمار است. در اعمال برنامه نماز چند نکته مهم را به عنوان شأن زن عرض می‌کنم. و اصولی را که یک زن در جلب و جذب مؤثر است و دارای چند شأن است. در دنیای اسلام و در اندیشه مذهبی ما شأن تعلیم دارد. یک زن در واقع یک معلم است. زن شأن تزکیه و پاک سازی دارد. که در حقیقت شأن رسولان است. «یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة» شأن حرکت بخشی دارد و ایجاد جذب و انجذاب دارد. هم جذب می‌شود، هم جذب می‌کند. چه کار کند که جذب بکند چه کند که فرزند و همسرش را جذب کند. چند اصل به امری مثل نماز مورد نظر ماست.

اصل پذیرش، اصل احترام واقعی، اصل تفاهم و مماشات، اصل غیررسمی کردن، آموزش دین، اصل هشدار و تذکر، اصل کنترل در عین مدارا، اصل مشاوره نزدیک. اما چه روشهایی را یک زن می‌تواند بکار ببرد؟ من بالغ بر ۱۴۰ الی ۱۵۰ روش را یادداشت کردم که اینجا نمی‌شود هیچ کدامش را شرح داد. فقط اسم می‌برم. اگر عمری باشد می‌شود این ها را بعدا بررسی کرد. روشهایی را که می‌توانیم در این راه بکار ببریم. روش دعوت، اعلام، اخبار، اشعار، ارشاد،لقاء، اعطای بینش، ارائه الگو، آراستگی ظاهر، اخلاص، تشویق در عبادت،

[صفحه ۶۳]

احسان، محبت، خوشایند کردن صحنه نماز، همزبانی، ذکر داستان از اولیاء الله، موافقت تعلم، تغافل در مواردی، تسامح - تساهل و اغماض، انتقاد، اتمام حجت، تعزیر، تشجیع، تحدی، برهان، پاداش دهی، نصیحت، ابراز تأسف، دعا، التجاء، احتجاج، و بقیه ی موارد که نمی‌رسم، چند نکته را هم بگویم، در تداوم امر نماز و تثبیت تنفیذش در فرزندان مادران به چند اصل عنایت کنند. اصل اول - اصل فریضه سازی برای خود و نسل.

ساعت نماز، نماز است و این را مادر بر خود واجب کند تا دائم در حضور باشد.

اصل دوم - استمرار و مداومت، یعنی مسئله هرگز شکسته و قطع نشود.

اصل سوم - اصل اغتنام از فرصت، حتی برای همسران در لحظات انس در پرده عرض می‌کنم، زن می‌تواند دل شوهر را چنان جذب کند که وضعش عوض شود. من خوشحالم و افتخار می‌کنم که شوهر گرانقدری مثل تو دارم. چه خوب بود که با نماز کمالت را کامل می‌کردی. شما مطمئن باشید وارونه نمی‌شود و روشها و آمارهایی که عرض

کردم، بر همان اساس بود. اصل اعتدال، اصل تایید و تحسین، اصل تفخیم و بزرگداشت، اصل بینش دهی، اصل رعایت مقتضی‌ها، اصل حکمت، اصل سندیت و اقتدار یعنی با همه محبت گاهی ما از قدرت باید استفاده کنیم برای فرزندان اصل طهارت درون که سخن از دل برآید و بر دل نشیند. اصل اتکای به تعلق و اعلام محبت. من مباحث زیادی یادداشت کردم به

[صفحه ۶۴]

خواست خداوند سعی خواهیم داشت که این مباحث را چاپ و تکثیر کنیم و بعدا خواهران محترم از ستاد اقامه نماز بگیرند. من ۲، ۳ تا دعا می‌کنم و همه شما را به خدا می‌سپارم. خدایا اسلام و مسلمین را نصرت عنایت بفرما. خدایا عشق به نماز و شوق به اتصال و پیوند خودت را در دل ما و نسل ما بتاب.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

[صفحه ۶۷]

اذان و اجتماع

در بعضی از کشورها صبحگاهان برای تشویق مردم به آماده شدن و رفتن به سر کار خود، شعارهای کوتاهی از طریق رادیو یا تلویزیون بطور مکرر پخش می شود تا افراد زودتر از جا برخیزند و به سوی فعالیت روزانه که اغلب قریب به اتفاق آن فعالیت ها در جهت کسب درآمد و تأمین نیازهای مادی زندگی است بروند.

طرح و کاربرد این روش بر مبنای یک اصل روانشناسی است که وقتی یک موضوع بطور منظم و در شرایط مناسب تکرار شود و به گوش افراد برسد اثر آن نافذتر خواهد بود.

در اسلام قبل از این که روانشناسان و علمای اجتماع درباره این روش تحقیق کنند و به نتیجه برسند، دستور به ادای مکرر شعارهای کوتاه ولی با معانی گسترده در اذان (و اقامه) فرموده که محتوای جملات آن و تعمق و تدبر در کلمات، موجب سعادت دنیا و آخرت انسان ها خواهد شد و منحصر به کسب منافع مادی نخواهد بود و ضمن فراموش نکردن جنبه ی مادی زندگی (در حد مشروع) به معنویت هم توجه خاص شده است. درباره ی اذان می توان گفت تکرار شعارهای کوتاه بر طبق فطرت انسان و تأثیر آن در روان و روح بشر طراحی شده است. اجتماع گروهی از انسان ها از یک طرف جمع افراد با خصوصیات فردی هر یک است و از طرف دیگر دارای خصوصیات جمعی است که ماورای مجموع خصوصیات انفرادی می باشد و این خصوصیات در روانشناسی اجتماعی در مقابل روانشناسی فردی مورد بحث قرار می گیرد[۸].

[صفحه ۶۴]

بنابراین در بررسی اثرات و پیامدهای اجتماعی اذان، نکاتی اضافه بر اثرات فردی آن مورد توجه قرار خواهد گرفت که تا حدی متفاوت با پی آمدهای فردی است ولی از آن جدا نمی باشد.

هنگامی که آوای پر محتوای اذان به دست امواج صوتی سپرده می شود و در فضای گسترده ای به گوش انسان ها می رسد، ابهت و عظمت اسلام در اجتماع طنین انداز می گردد، و نشان دهند قدرت معنوی و همچنین کثرت مؤمنین به اسلام می باشد.

وقتی گروهی از مسلمین با شنیدن بانگ اذان بطور جمعی و انفرادی رهسپار عبادتگاه (مسجد) می شوند هر بیننده ای را ممکن است متأثر سازد و ترغیب به همراهی آنان به سوی مسجد نماید (تأثیر اجتماع روی فرد) و این عمل

گروهی که منجر به اقامه ی نماز جماعت می شود اتحاد بین مؤمنین و همدلی و هماهنگی آنان را بیشتر می کند (تأثیر اجتماع روی اجتماع) و این نکاتی است که بطور کلی در روانشناسی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است. درعین حال شرکت عده ای در یک حرکت هماهنگ و همزمان که با ندای «الله اکبر» اذان شروع می شود یک نمایش اجتماعی و تظاهرات (دمونتراسیون) دینی است که در سایر ادیان به این صورت وجود ندارد و اگر هم در بعضی از قبایل کوچک بدوی و غیر متمدن حرکات دسته جمعی مذهبی به چشم می خورد اولاً این حرکات هیچگاه فرهنگ پربار غنی همچون اذان و حرکت به سوی نماز را در بر ندارد و ثانیاً اغلب مبنای خرافی و افسانه ای دارد که در دنیای متمدن، منسوخ و فراموش شده می باشد. درحالی که آوای اذان و حرکت به سوی نماز و ادای فریضه بصورت جماعت

[صفحه ۶۵]

در همه ی جوامع بشری اعم از پیشرفته و غیر آن، قابل طرح است که بسیار جالب و باشکوه و تحسین برانگیز بوده و اهمیت و جذبه آن بین متمدنین بیشتر می باشد (نمونه بارز این مورد در نماز جماعت در مراسم حج تمتع بسیار چشمگیر است).

اذان بعنوان فراخوان عمومی به نماز تلقی می شود که (نماز) خود عبادتی از طرف مسلمین به درگاه خداوند یکتای واحد و ایمان به رسالت پیامبری واحد و بر طبق دستورالعمل و کتابی واحد (از نظر متافیزیکی) و رو به سوی نقطه ای واحد (از نظر فیزیکی) یعنی قبله (کعبه مسجد الحرام) انجام می گیرد.

برای هر نمازگزار ممکن است چنین تصویری در ذهن مجسم شود که در تمام ساعات شبانه روز در سراسر جهان، متناسب با اختلاف افق و ساعات نقاط مختلف دنیا، عده ای از هم کیشان وی رو به سوی یک مرکز (خانه خدا) به عبادت می پردازند و در مقدمه ی این عبادت ندای ملکوتی اذان در تمام اوقات شبانه روز در جای جای کره ی ارض می تواند طنین انداز باشد. این تصور خود ممکن است موجب احساس رضایت و افتخار این مسلمان از مسلمان بودن خود شود و به انجام هر چه بیشتر عبادات و نزدیکی به خدا کوشا گردد (تأثیر اجتماع روی فرد). ضمناً در چنین شرایطی هر فرد مسلمان در دنیای گسترده روی کره زمین و بین اجتماع میلیاردها انسان خود را تنها نمی یابد و میلیون ها مسلمان دیگر را همراه و همفکر خود به حساب می آورد که این امر به نوبه ی خود باعث

تقویت روحیه و ثبات عقیده و پیگیری بیشتر احکام اسلام در بین افراد جامعه مسلمان خواهد شد و پایداری آن ها را در برابر تجاوزات و تعدیات دشمنان اسلام و ره پویان کفر و الحاد افزایش خواهد داد.

[صفحه ۶۶]

علاوه بر این، احساس وجود این فصل مشترک با مسلمانان دیگر مآلاً باعث همبستگی و اتحاد بین مسلمین خواهد شد و در عین حالی که همدیگر را نمی شناسند و ارتباط مستقیمی با هم ندارند ولی در اندیشه ی هر فرد مسلمان مؤمن که در هر زمان خود را در زمره ی سایر مسلمانان حس می کند که در حال عبادت به سوی کعبه واحد هستند، اتحاد و همبستگی او را با سایر هم کیشان راسخ تر می نماید.

[۸] درباره این خصوصیات می توان به کتاب روانشناسی اجتماعی نوشته «اتو کلاین برگ» ترجمه مرحوم دکتر کاردان مراجعه کرد.

ندای گسترده

هرگاه آوای الهی اذان در مکانی که تعدادی مسلمان در آن به سر می برند طنین انداز گردد، الزاماً گوش غیر مسلمانان آن ناحیه را نیز نوازش خواهد داد و ممکن است کنجکاوی بعضی را برانگیزد که درباره ی کلمات و جملات آن اندیشه کنند و احیاناً در روح و فکرشان تحول و جهشی به سوی حقیقت ایجاد شود. بدین سان می توان تصور کرد که نور این ندای مقدس رفته رفته سراسر قلبشان را روشن کند و چون به دفعات تکرار گردد باعث گسترش ایمان و عقیده اسلامی می شود.

این موارد را می توان به عنوان تأثیر اذان بر روی افراد غیر مسلمان تلقی کرد که نهایتاً به رشد جامعه مسلمان منجر می گردد.

شاید یکی از انگیزه های مخالفت با ساخت مناره و مأذنه مساجد در بعضی از کشورهای غربی بی ارتباط با تأثیر نموده های اسلامی (منجمله اذان) بر روی افراد غیر مسلمان نباشد.

خداوند!!!

[صفحه ۶۷]

ما را یاری فرما تا گوش جان به آوای ملکوتی اذان سپاریم و به سوی نماز رو آریم و با پیروی از رهنمودهای رهایی بخش اسلام از هرگونه بندگی غیر خدا تنها به عبادت او نایل شویم که موجب رستگاری دنیا و آخرت باشد.

آمین یا ربّ العالمین

الحمد لله رب العالمین